

اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران

درباره تصمیمات پلنوم نوزدهم

پلنوم نوزدهم کمیته مرکزی حزب توده ایران جلسه نوبتی خود را برگزار کرد. مسائل زیر در دستور کار پلنوم نوزدهم قرار داشت:

- * تغییر در اساسنامه حزب.
- * تصمصیم درباره گروه فراکسیونی.
- * بررسی پیشنهاد مربوط به دعوت کنفرانس ملی حزب توده ایران.
- * تصویب اسناد و مدارک و از جمله گزارش کمیته مرکزی، طرح برنامه حزب و تزه‌های مربوط به خط مشی سیاسی حزب پس از انقلاب بهمن ۵۷، برای ارائه به کنفرانس ملی.

بقیه در ص ۲

قطعنامه کنفرانس ملی حزب توده ایران

درباره تغییر در اساسنامه حزب

با در نظر گرفتن این که اساسنامه مصوبه پلنوم هفدهم حزب برای فعالیت در شرایط علنی تنظیم و تصویب گردیده است و در اوضاع و احوال کنونی که رژیم ترور و اختناق پلیسی بر کشور ما فرمانروائی میکند و حزب ما در شرایط مبارزه مخفی بسر می برد، افزودن ماده ای به مواد سی و ششگانه آن ضرورت دارد.

از اینرو، کنفرانس ملی ماده زیر را به اساسنامه مصوب پلنوم هفدهم می افزاید:

" درباره مقررات کار مخفی

۲۷- در شرایط کار مخفی و به اثر ضرورت های آن باید در اجراء مقررات و موازین مندرجه در این اساسنامه در برخی عرصه های فعالیت حزبی مانند: شیوه فعالیت و ساختار تشکیلاتی حزب، بقیه در ص ۵



شماره ۱۱۴ دوره هشتم
سال سوم پنجشنبه ۱۶ مرداد ۱۳۶۵
بها ۲۰ ریال

درود بر کنفرانس ملی حزب توده ایران!

یکی از هسته های حزبی در بهیامی خطاب به کمیته مرکزی حزب توده ایران نوشته است:

" رفقای گرامی!

برگزاری موفقیت آمیز کنفرانس ملی حزب توده ایران که تجلی درخشان وحدت سازمانی و انسجام ایدئولوژیک حزب توده ایران در شرایط بغرنج و آشفته کشور است، هویزه انتخاب مجدد رفیق علی خاوری را به عنوان دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایبران صمیمانه شادباش میگوئیم.

بقیه در ص ۲

شریک دزدو "رفیق" قافله

در ماه های اول انقلاب و تحت تاثیر امواج خروشان آن، کارگران ایران امتیازاتی محدود چون ۴۴ ساعت کار در هفته، افزایش حداقل دستمزد به ۶۲۵ ریال و یکماه مرخصی سالیانه با استفاده از حقوق، پدست آوردند. اما همین که مدتی سپری شد، به نسبت تحکیم حاکمیت ولایت فقیه " کوشش " دولت خدمتگزار " سرمایه نه تنها برای بازپس گیری همان بقیه در ص ۲

نظر مادر باره پیشنهاد حزب دمکرات کردستان ایران

ضرورت تشکیل جبهه واحد نیروهای انقلابی و دمکراتیک برای مقابله با رژیم ضد خلقی ج.ا.ا. هرچه بیشتر مورد توجه مبارزان راه آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی قرار می گیرد. اکنون دیگر احزاب و سازمان ها به تدریج به این نتیجه منطقی می رسند که تاخیر در این امر حیاتی برای مردم و زحمتکشان کشور نه تنها جایز نیست، بلکه یک خطای نابخشودنی خواهد بود.

در این که ایجاد جبهه واحد نیروهای انقلابی و دمکراتیک از مسائل عمده و حساس روز است، تردیدی نیست. چنین به نظر می رسد که این نیروها در تنظیم و تدوین برنامه حداقل جبهه نیز با هم مخالفت چندانی نداشته باشند. آنچه دستیابی به این مسئله حیاتی را مشکل ساخته پاره ای پیدشوری ها و نیز اختلاف هایی است که متأسفانه از دیر زمان میان نیروهای انقلابی و دمکراتیک بر سر این و یا آن مسئله وجود داشته و دارد.

به نظر حزب توده ایران، چنانکه در اسناد کنفرانس ملی آن نیز منعکس است، این گونه اختلاف ها را می توان به آسانی در پشت میز مذاکره حل کرد. بهرحال عواملی که نیروهای انقلابی و دمکراتیک را بهم نزدیک میکند خیلی بیشتر از عوامل موثر در جدائی آنهاست.

حزب ما پاره ها خاطرنشان ساخته که پایه اجتماعی و چارچوب جبهه بطور عمده وابسته به توانائی آن در منعکس ساختن منافع و رهبری تمام طبقات و قشرهای جامعه است که از رژیم قرون وسطائی ولایت فقیه رنج می برند. البته در این میان پیش از هر چیز منافع و خواست های هسته مرکزی جبهه، یعنی کارگران و دهقانان و دیگر زحمتکشان و سازماندهی مبارزه آنان در راه تحقق این خواست های اجتماعی و اقتصادی و به خاطر آزادی های دمکراتیک، اصلاحات ارضی رادیکال و پایان دادن به سیطره کلان بقیه در ص ۲

پیرامون بیانیه دانشجویان مسلمان

در اسناد و مدارک مصوب کنفرانس ملی حزب توده ایران خاطرنشان می شود که دانشگاه های ایران در گذشته یکی از مراکز مهم مقاومت و مبارزه علیه رژیم خودکامه شاه بود. امروز نیز دانشجویان مترقی می توانند باید در صف مقدم مبارزه علیه رژیم استبدادی قرون وسطائی ج.ا.ا. بقیه در ص ۶

انقلاب مشروطیت و درس تاریخی آن

چهارده مرداد امسال، ۸۱ سال از انقلاب مشروطیت می گذرد. این انقلاب نه تنها نقطه چرخشی در تاریخ معاصر ایران است، بلکه یکی از بزرگترین انقلاب های آغاز شده بیستم در منطقه بشمار می رود. انقلاب مشروطیت فرآورده تضاد خلق با رژیم استبداد سلطنتی و آغازگر مبارزه بقیه در ص ۵

دیگر بار، نشریه "فدایی" و تحریف دیدگاه های ما (۱)

در ص ۴

پیام شادباش به

حزب کمونیست آفریقای جنوبی

رفقای عزیز!

بمناسبت شصت و پنجمین سالگرد پایه گذاری حزب کمونیست آفریقای جنوبی، کمیته مرکزی حزب توده ایران گرم ترین شادباش های برادرانه خود و همه کمونیستهای ایران را تقدیم می دارد.

کمونیست های آفریقای جنوبی از ۱۹۲۱، سال پایه گذاری حزب، تا کنون چانهازانه در راه ناپودی استعمار نژادی، دگرگو نسازی ریشه ای ساختار اجتماعی - سیاسی جامعه آفریقای جنوبی و پیشبرد سوسیالیسم گام برداشته اند. بقیه در ص ۸

۶۵ سال پیکار در راه بهروزی خلق

حزب کمونیست آفریقای جنوبی، کهنسال ترین حزب کمونیست قاره آفریقا، روز ۲۰ ژوئیه ۱۹۸۶ شصت و پنجمین سالگرد پایه گذاری خود را گرامی می دارد.

حزب کمونیست آفریقای جنوبی در کنفرانس، در روزهای ۲۰ ژوئیه تا ۱ اوت ۱۹۷۱ با شرکت نمایندگان چندین سازمان سوسیالیستی در "کیپ تاون" برگزار شد، تاسیس یافت. بقیه در ص ۸

شریک‌دزدو...

امتیازات نیم بند، بلکه برای حذف همه دستاوردهای مفتاد سال مهارزه طبقه کارگر ایران، تشدید شد. طرح قانون کار توکلی که بیمه کارگران را اچگافی " غیر شرعی " بر کارفرما می دانست و کارگر آسیب دیده را "مضداق واقعی مسکینی" می شناخت و جبران خسارت و تامین زندگی او را از محل " صدقات" پیش بینی می کرد، نخستین قدم جدی در این راه و چکیده آرزوهای بورژوازی بود.

مخالفت قاطع و یکپارچه کارگران میهنمان، بزودی حاکمیت را متوجه عواقب خطرناک (۱) اقدام شتابزده خود کرد و ناگزیر کرد که طرح "قانونی" خود را پس بگیرد. پس از آن رژیم برای رسیدن به منظور خود گام به گام پیش رفت. نخست با تعطیل تدریجی سندیکاهای کارگری موجود به بهانه های مختلف و سپس با یورش به حزب توده ایران، کارگران را از سازمان های رهبری کننده خود محروم ساخت، قانون کار آریامهری همچنان به قوت خود باقی ماند، سپس بخش مهمی از امتیازات کسب شده توسط کارگران پس گرفته شد. همچنین رژیم با ثابت نگهداشتن حداقل دستمزد در چهار سال اخیر به بهانه جلوگیری از تورم، قدرت خرید کارگران را به میزان قهول از انقلاب و حتی پائین تر از آن تنزل داد.

طبق آمار رسمی ج.ا.ا. متوسط دستمزد قریب ششصد هزار کارگر صنعتی طی سال های ۵۸ تا ۶۲ ۴۶٪ افزایش یافته است، در حالی که حتی شاخص غیرواقعی ارائه شده توسط بانک مرکزی نشان می دهد که هزینه زندگی از ۱۹۶/۲ به ۴۱۸ یعنی ۲/۱۲ برابر ارتقاء یافته است. با مقایسه این دورقم به سادگی می توان دریافت که کارگران تقریباً بیش از نیمی از قدرت خرید خود را از دست داده اند. این در حالی است که ارزش افزوده همین بخش از صنایع یا به عبارت دیگر حاصل کار همین کارگران که مستقیماً به جیب صاحبان کارخانه ها سرازیر شده است، از ۲۵۴ میلیارد ریال به ۹۱۷ میلیارد ریال رسیده، یعنی ۲/۶ برابر ترقی کرده است. (سالنامه آماری ۱۳۶۲)

بدون تردید، وضع زندگی ۲/۵ میلیون کارگر صنایع کوچک، که اغلب همان حداقل دستمزد را دریافت می دارند، به مراتب اسفناکتر است زیرا در فاصله سال های ۵۸ تا ۶۲ حداقل دستمزد این کارگران فقط ۱۷٪ افزایش یافته و از این سال به بعد، همانطور که قبلاً اشاره شد، " دولت خدمتگزار " بدون توجه به تورم افزایشده، از اضافه کردن به آن جلوگیری کرده است.

۱/۵ میلیون نفر کارکنان و کارمندان دولت، که بخش عمده آنها را کارمندان جزء هستند، نیز وضع مشابهی دارند، طی هفت سال حکومت "ولایت فقیه" تقریباً میزان حقوق آنها ثابت مانده و اغلب مزایای آنها از قبیل اضافه کار، کمک هزینه فوق العاده ماموریت، عیدی، پاداش و غیره قطع شده و بدینسان تورم دوران حکومت فقها را با تمام سنگینی هر دوش خود احساس می کنند.

نظر مادر باره پیشنهاد حزب دمکرات...

سرمایه داران و بزرگ مالکان، برای ما اهمیت خاص دارد.

اگر قبول کنیم که نیروی قاطع و سرنوشت ساز در توده ها نهفته است و هیچ یک از سازمان های انقلابی و دمکراتیک، در شرایط مشخص کنونی به تنهایی توانایی بسیج توده ها را ندارند، در اینصورت باید نیروی جمع را در راه بسیج، سازماندهی و وحدت توده ها و در درجه اول توده های زحمتکش شهرها و روستاها پیکار گرفت. این نیز بدون تشکیل جبهه واحد امکان پذیر نیست.

در این زمینه سرمقاله " کوردستان " ارگان کمیته مرکزی حزب دمکرات کوردستان ایران تحت عنوان " ضرورت تشکیل جبهه دمکراتیک ضد امپریالیستی " (شماره ۱۱۴، اردیبهشت ۱۳۶۵) جلب نظر میکند. در این مقاله بدرستی گفته می شود: " تجربه نشان داده است که پراکندگی نیروهای مترقی اپوزیسیون و عدم وجود اتحاد بین آنها پیش از هر عامل دیگری موجب تداوم موجودیت ج.ا.ا. گردیده است."

نشریه " کوردستان " پس از تشریح بحران عمیقی که نظام ج.ا.ا. را فرا گرفته، تصریح میکند: اگر در چنین شرایطی رژیم خمینی هنوز هم بر سرکار است، نه به علت نیرومندی بودن آن، بلکه به علت ضعف و پراکندگی اپوزیسیون دمکراتیک است. این واقعیت را باید اذعان کرد که در شرایط کنونی هیچ سازمان و تشکلی به تنهایی قادر به سرنوشتی رژیم خمینی نیست. برای نیروهای مترقی و دمکراتیک که بطور اصولی رژیم سلطنتی را در همه اشکال آن مردود می دانند و شورای ملی مقاومت را با ترکیب فعلی بدیل به حساب نمی آورند، در اوضاع کنونی آلترناتیوی وجود ندارد...

نشریه " کوردستان " به درستی خاطر نشان میکند که تجربه تلخ انقلاب ۱۳۵۷ نباید تکرار شود. در آن ایام نیروهای انقلابی و دمکراتیک نتوانستند زبان مشترک پیدا کنند، اما " این

اما، اگر سلطه سران مرتجع ج.ا.ا. برای زحمتکشان ایران جز فقر و محرومیت حاصلی به همراه نداشته، برای " بازاربان عزیز " مورد عنایت رژیم، چندان هم بد نبوده است. این قشر از غارتگران اجتماعی، در سال ۲۳.۰۵۹ میلیارد تومان سود خالص به جیب زدند (پناهر گفته عزت اله سبحانی وزیر اسبق برنامه و بودجه، در تاریخ بازار ایران بی سابقه بوده است) این رقم در سایه الطاف " دولت خدمتگزار " در سال ۶۲ به ۲۲۰ میلیارد در سال ۶۴ به ۲۷۰ میلیارد تومان رسید که بیش از کل دستمزد سالیانه ۴/۵ میلیون کارمند دولت و کارگر بخش صنایع بزرگ و کوچک کشور است!

مهلگی معادل درآمد سالیانه ۴/۵ میلیون کارگر و کارمند زحمتکش پناهر گفته دادستان کل به جیب " چهار تا پنج هزار نفر " ناچر غارتگر بقیه درس ۲

بار باید هدف هم سرنوشتی رژیم خمینی و هم تامین آلترناتیو با برنامه مشخص پس از سرنوشتی باشد."

حزب دمکرات کوردستان ایران برنامه جبهه پیشنهادی مرکب از نیروهای اصیل انقلابی، دمکراتیک و ملی را نیز ارائه داده است. در این برنامه سرنوشت کردن رژیم ج.ا.ا. رهائی از زیر سلطه امپریالیسم، استقرار جمهوری مستقل، دمکراتیک و غیر متعهد ایران، تامین دمکراسی و آزادی های دمکراتیک در سراسر کشور، مهارزه علیه ارتجاع و گرایش های ارتجاعی، ردهرگونه دیکتاتوری و انحصارطلبی، رفع ستم ملی و تامین حقوق ملی خلق های ستمدیده کشور در چارچوب ایرانی مستقل و دمکراتیک، تامین حقوق اقتصادی و اجتماعی زحمتکشان شهر و روستا، تحقق اصل " زمین متعلق به کسی است که روی آن کار میکند و غیره " در نظر گرفته شده است.

در سرمقاله " کوردستان " گفته می شود: " آرزوی ما این است که کلیه سازمان های مترقی ایران، آنها که به مهارزه عملی علیه رژیم اعتقاد دارند و در عمل ثابت کرده اند " مرد این میدان هستند " به فراخوان حزب ما پاسخ مثبت دهند و سال ۱۳۶۵ را به سال تشکیل جبهه دمکراتیک ضد امپریالیستی و سال پایان تفرقه و پراکندگی اپوزیسیون ایران تبدیل نمایند."

موضع حزب توده ایران درباره تشکیل جبهه واحد نیروهای انقلابی و دمکراتیک و تقریباً کلیه مسائل اصولی مندرج در فراخوان حزب دمکرات کوردستان ایران روشن است. ما در پیانیبه مشترکی که با سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) منتشر ساختیم نظرات خود را درباره ترکیب جبهه و برنامه عمل آن مشروحا بیان کرده ایم.

خوشبختانه باید گفت که مسائل عمده مطروحه در سرمقاله " کوردستان " با موضع ما درباره تشکیل جبهه متحد خلق مطابقت دار و این مایه امیدواری است. ما هم معتقدیم که اگر بخواهیم می توانیم سال ۱۳۶۵ را به پایان تفرقه نیروهای انقلابی و دمکراتیک تبدیل کنیم. ما با این نظر سرمقاله " کوردستان " نیز موافقیم که :

" اندیشه ضرورت تشکیل و گسترش جبهه باید همپای توده های میلیونی رخنه کند و عملاً آنرا به حرکت درآورد. برای پیشبرد هدف های جبهه، اعضا آن باید در چهارچوب جبهه بر نقاط مشترک مورد توافق تاکید ورزند و از هرچسته کردن موارد اختلاف پرهیز نمایند. اعضای جبهه باید در تقویت آن پکوشند و از هر اقدامی که موجب تضعیف جبهه شود خودداری نمایند. هر سازمانی هویت خود را حفظ خواهد کرد و در مهارزه برای هدف های خود آزاد خواهد بود. لیکن در عین حال جبهه باید هویت ویژه خود را داشته باشد که هویت مشترک همه اعضای آن است."

ناگفته پیداست که اگر ما نتوانیم پیشداوری ها را کنار بگذاریم، اگر ما قادر نه باشیم بر نقاط مشترک مورد توافق تکیه کرده و از هرچسته کردن موارد اختلاف پرهیزیم، چگونه می توانیم در برابر تاریخ و زحمتکشان پاسخگو باشیم.

درد و بر کنفرانس ملی...

بدون تردید تصمیمات کنفرانس که مورد تأیید همه اعضای حزب قرار گرفته، تأثیر عمیقی در تقویت هر چه بیشتر امر سازمانی حزب توده ایران و ارتقاء جنبش توده ای و کمونیستی وطن ما در راه سرنگونی رژیم تبهکار "ولایت فقیه" خواهد داشت و همچنین گام استواری در راه تشکیل جبهه متحد خلق خواهد بود.

* گروهی از هواداران حزب در ترکیه نوشته اند: "رفقای گرامی!

اجازه بدهید به مناسبت برگزاری موفقیت آمیز کنفرانس ملی حزب پرافتخارمان به نام هواداران حزب توده ایران - ترکیه صمیمانه ترین شادباش های خود را به شما رفقای عزیز کمیته مرکزی و همه اعضا و هواداران حزب توده ایران و خلقهای تحت ستم و زحمتکش میهنمان عرضه داریم.

تشکیل این کنفرانس نه تنها در تاریخ حزبمان از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است بلکه در شرایط بفرنج کنونی ایران که بحران عمیق اجتماعی - اقتصادی پر جامعه حکمفرماست و مخصوصاً در زمانی که امپریالیسم جهانی و ارتجاع داخلی در صدند که از هر سو به حزب انقلابی ما ضرباتی وارد کنند، دارای اهمیت ویژه تاریخی است.

حزب ما با تشکیل موفق کنفرانس ملی پاردیگر پویایی و حقانیت خود را به اثبات رسانده و مثل همیشه از بوته آزمون تاریخ با سرفرازی بیرون آمد و مشت محکمی بر دهان یاهو - ان باطل اندیش کوفت.

ما هواداران حزب توده ایران در ترکیه پاردیگر پیمان می بندیم که تا آخرین قطره خونمان در راه دفاع از آرمانهای مردمی حزبمان بکوشیم و در این راه هیچ هراسی به دل نخواهیم داشت و از پای نخواهیم نشست.

درد و بر کمیته مرکزی حزب ما! موفق و پیروز باشید

هواداران حزب توده ایران - ترکیه * یکی از رفقای حزبی با امضاء "سرباز حزب" برگزاری کنفرانس ملی را با بیانی پرشور چنین شادباش گفته است:

"رفقای عزیز هیئت سیاسی!

با پرشورترین درودهای حزبی، برگزاری کنفرانس ملی حزب توده ایران - حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران - را از صمیم قلب به شما عزیزان و به همه اعضا و دوستداران حزب، شادباش می گویم. برگزاری موفقیت آمیز کنفرانس و اعتمادی که کادرهای حزبی شرکت کننده در کنفرانس به شما ابراز داشتند، یکبار دیگر ثابت کرد که حزب پرافتخار ما کماکان جایگاه شیردلانی است که همه وجود و هستی خود را وقف مبارزه بخاطر رهایی زحمتکشان کرده اند و در درون صفوف حزب ما، برای حاملین ایدئولوژی پرور وای و مخالفین انترناسیونالیسم پرولتری جایی نیست.

اعتماد کادرهای حزبی به شما عزیزان بازتاب

اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی...

۱- پلنوم نوزدهم ماده ۲۷ مقررات کار مخفی (قطعنامه مربوط جداگانه منتشر می شود) مندرج در اساسنامه حزب مصوب سال ۱۳۵۲ را که پس از انقلاب بهمن در شرایط کار علنی از اساسنامه حذف شده بود، دوباره به اساسنامه حزب افزود.

۲- پلنوم نوزدهم به بحث مفصل درباره عملکرد ضد اساسنامه ای شش نفر از اعضا اصلی و مشاور کمیته مرکزی پرداخت و به اتفاق آراء تصمیم گرفت که آنها را به شرکت در این پلنوم دعوت نکند. این تصمیم با توجه به این واقعیت اتخاذ شد که این شش نفر در موارد پر شمار با پخش نظرات خود از طریق مجاری غیر سازمانی اصل رازداری و پنهانکاری مقرر در اساسنامه حزب را که مراعات اکید آن وظیفه همه اعضای حزب است، به گونه ای خشن نقض کرده بودند. علاوه بر این، این افراد در ملاقات هایی که با کمیسیون های ویژه هیئت سیاسی منتخب پلنوم هیجدهم

اصولیت و پایداری شما بر مواضع انترناسیونالیستی و وفاداری تان به امر زحمتکشان است. این اعتماد و افتخار بر شما عزیزان مبارک باد که از هر حیث شایسته آن هستید.

برگزاری دو پلنوم و کنفرانس ملی حزب - در فاصله زمانی کوتاه - به دشمنان سوگند خورده حزب و گمراهانی که درون حزب را چولانگاه اندیشه و عمل نادرست خود کرده بودند، نشان داد که برخلاف تبلیغات دشمنان، هیئت سیاسی در سخت ترین شرایط، از مزاجه به توده حزبی - توده ای که خود را در برابر خون شهیدان حزب، در برابر رنج اسیران دربند و در برابر نبرد سرنوشت ساز زحمتکشان با امپریالیسم و ارتجاع، متعهد می داند - نمی هراسد و اگر نگرانی و هراسی هست، همانا نگرانی برای جوانان راه کم کرده ای است که قدم در کجراه می گذارند، کجراه هایی که دشمنان طبقاتی و امپریالیسم جهانی بر هر گذرش، هزاران دام نهاده اند.

رفقای عزیز!

همبستگی بین المللی احزاب برادر، بویژه حزب پرافتخار لنینی - حزب کمونیست اتحاد شوروی - با حزب توده ایران، افتخار بزرگ حزب ما است. حزب ما باید بکوشد این اعتماد متقابل و همبستگی رفیقانه را در آینده اعتلاء دهد و از آن چون مردمک چشم محافظت بعمل آورد.

رفقای عزیز!

برگزاری کنفرانس ملی، شور و شعفی زاید الوصف در میان رفقای که پراستی شایسته نام پرافتخار توده ای هستند، پرانگیخته است. عزیزان دربند ما نیز از ورای دیوارها و میله های زندان این خهر را شنیده اند و با شوری صد چندان در برابر دشمنان حزب و شکنجه گران جمهوری اسلامی، ایستادگی می کنند. رزمندگان توده ای در میهن برنامه جدید حزب و مصوبات کنفرانس را به کار پایه نبرد قهرمانانه خود بدل خواهند کرد.

داشتند، نه تنها به هیچ وجه حاضر به انتقاد از خود نشدند، بلکه به نفی رهبری قانونی حزب نیز اصرار ورزیدند.

پلنوم نوزدهم با اکثریت بیش از دوسوم آراء، پاپک خسروی، فرهاد فرجاد، فریدون آذرنور، حسین انور حقیقی، سعید مهرآدم و محمد آزادگر را از عضویت در کمیته مرکزی و حزب اخراج کرد. پلنوم تصمیم گرفت که قطعنامه مربوط به اخراج این افراد برای نظر خواهی به کنفرانس ملی ارائه شود.

۲- پلنوم نوزدهم تشکیل کنفرانس ملی در شرایط کنونی را ضرور تشخیص داد و در این باره به اتفاق آراء تصمیم ویژه ای اتخاذ کرد. این تصمیم پلنوم در انطباق کامل با ماده ۲۷ اساسنامه درباره مقررات کار مخفی است.

۴- پلنوم نوزدهم پس از بحث و بررسی اسناد و مدارک پیش گفته راهبرای ارائه به کنفرانس ملی به تصویب رساند.

دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران

شریک دزدو "رفیق"...

رفته است. این است چهره واقعی رژیم "ولایت فقیه" (که برای توجیه این غارت و آن محرومیت، کهنه ترین اصول شیوه سرمایه داری را در لباس "شرع" و "اسلام" به عنوان قوانین واجب الاطاعه "الهی" به مردم تحمیل می کند. حاکمیت ارتجاعی ج.ا. زیاد خواهان "یعنی کسانی را که حقوق پایمال شده خود را طلب می کنند، از عذاب الیم اخروی" و فروختن آخرت به دنیا "می ترسانند و بالاخره ماموران کمیته ها و سپاه پاسداران و زندانبانان اوین و... در همین جهان هر که را که بر آن قوانین و این نصایح "گردن نهد، با ضرب شلاق و داغ و گلوه "ارشاد" می کنند.

امروزه دیگر زحمتکشان کشورمان به خوبی دریافته اند که همه ادعاهای سران مرتجع رژیم در حمایت از "مستضعفان" و محرومان چیزی جز فریب و نیرنگ نیست و می دانند که از حاکمیت مدافع منافع کلان سرمایه داران بویژه بازاریان عزیز "و بزرگ مالکان و روحانیان ارتجاعی که با سوء استفاده از باورهای مذهبی مردم بر مسند قدرت تکیه زده اند، جز این انتظاری نمی توان داشت. و درست به همین دلیل روز به روز بر این اعتقادشان افزوده می شود که جز سرنگونی رژیم و تشکیل حکومتی که زحمتکشان در آن سهم باشند، راهی دیگر برای نجات وجود ندارد.

زنده باد حزب توده ایران!

زنده باد انترناسیونالیسم پرولتری، جوهر ایدئولوژی مارکسیسم - لنینیسم!
مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم چنایتکار آمریکا!
سرنگون باد رژیم قرون وسطایی جمهوری اسلامی

با درد حزبی "سرباز حزب"

دیگر بار، نشریه "فدائی" و تحریف دیدگاه‌های ما (۱)

نشریه "فدائی" ارگان "گروه کشتگر" با انتشار به اصطلاح اطلاعیه سه نفر از واردگان سیاسی اخراج شده از صفوف حزب توده ایران، که سرایا انباشته از ناسزا، توهین، تهمت و پرچسب به حزب ما و هزاران تن از اعضا آن و نیز به منظور لجن مال کردن یکی از دستاوردهای بزرگ حزب، یعنی کنفرانس ملی است، پا را از گلیمش خیلی درازتر کرده است.

تردید نیست که گردانندگان "فدائی" از تصمیم های پلنوم نوزدهم و کنفرانس ملی حزب توده ایران، منتشر شده در "نامه مردم"، دایر اخراج این افراد به علت فعالیت فراکسیونی و ضد حزبی و مخرب از صفوف حزب، با خهر بودند. با این وجود، نشریه "فدائی" با زیرپا گذاردن ابتدایی ترین موازین اخلاق کمونیستی (اگر به آنها پایبند است) "اطلاعیه" پیش گفته را به نام "اطلاعیه" اعضا، کمیته مرکزی... منتشر ساخته است.

نشریه "فدائی" همچنین می نویسد: "...نشریه فدائی در گذشته در نقد مواضع و عملکرد رهبری حزب توده (ایران) و بحران آن مطالب متعددی را انتشار داده است" و در آینده نیز در "بررسی و نقد مضامین اطلاعیه زیر نظرات خود را خواهد داد" ("فدائی"، شماره ۲۶، سال ۱۳۶۵). "گروه کشتگر" مدتهاست که پیرامون به اصطلاح بحران در جنبش کارگری کمونیستی ایران قلمفرسایی کرده و می کند. پدیده است، وقتی "فدائی" از بحران سخن می گوید، هدفش بهیچ وجه بحران عمیق درون سازمانی خود نیست. این سازمان برای پنهان نگاه داشتن بحرانی که از ۱۶ آذر ۱۳۶۰ آن را از درون مانند خوره می خورد، دست به هر عملی می زند و می کوشد تا ریشه های بحران درونی خود را به دیگر سازمانها، از جمله حزب توده ایران، نسبت بدهد. این بحران به اندازه ای عیان است که ما را نیازی به تشریح آن نیست.

برای برون رفت از این وضعیت یک راه به پیش روی "گروه کشتگر" وجود داشت: تلاش برای پایان دادن به سردرگمی و آشفتگی سیاسی-ایدئولوژیک، کوشش در راه وحدت نیروهای چپ و سعی در پیداکردن زبان مشترک با پیروان راستین مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری.

اما "گروه کشتگر" این راه را انتخاب نکرد و هنوز شیوه اتهام و پرچسب زنی و "بحران تراشی" را به بحث سالم و سازنده ترجیح می دهد. دشمنی با حزب توده ایران برای این سازمان تازگی ندارد. وقتی که رژیم خمینی با یورش فاشیستی هزاران توده ای را روانه سیاهچالها ساخت "گروه کشتگر" از این عمل چنانیکارانه رژیم دفاع ضمنی کرد. اما، پس از مواجه شدن با اعتراض هواداران خود گامی به عقب نشست، بدون این که دشمنی با حزب ما را اندکی تخفیف دهد. امروز سازمان یادشده با پشتیبانی از واردگان سیاسی اخراج شده از حزب، در پی

جستجوی "چناهایی" در درون حزب ماست و همان راهی را ادامه می دهد که ضد توده ای ها و دشمنان طبقه کارگر رفته اند و تجربه نشان داده که فرجام آن چزشکست و رسوائی خواهد بود.

انتشار به اصطلاح اطلاعیه در نشریه "فدائی" تصادفی نیست. از نوشته های "فدائی" چنین برمی آید که با گروه فراکسیونی در برخی از مسائل ایدئولوژیک خوبشوندی و پیوند نزدیک دارد. این پیوند، بویژه در مقاله "استقلال، میهن پرستی، انترناسیونالیسم" منتشر شده در شماره ۲۵ سال ۶۵ "فدائی" آشکارا به چشم می خورد.

برای این که ما نیز مانند گردانندگان "فدائی" تنها به قاضی نرویم و سخن بی پشتوانه نگوییم، بخش قابل توجهی از آنچه را که "فدائی" درباره انترناسیونالیسم پرولتری نوشته است، عینا نقل می کنیم: "رایج ترین درک در این زمینه این بوده است که گویا انترناسیونالیسم پرولتری مستلزم پذیرش این است که نه خود کمونیست های ایران، بلکه مرکزی در جنبش جهانی کمونیستی باید تئوری، خط مشی مبارزاتی و جهات اصلی فعالیت کمونیستهای ایران را مشخص کند و این کار را نیز انجام می دهد".

این "رایج ترین درک" مربوط به چه کسانی است؟ "فدائی" از کدام مرکز جنبش جهانی تعیین کننده خط مشی فعالیت کمونیست ها سخن می گوید؟

"فدائی" می نویسد: "هر مبنای این درک که گاه بطور رسمی و آشکار و گاه بطور غیررسمی و پنهانی ابراز می شود، نه فقط وظیفه کمونیستهای ایران، بلکه حتی فراتر از آن، حق آنها برای کاربست مستقل و مستقیم مارکسیسم - لنینیسم در انطباق خلاق با شرایط موجود و تحلیل مستقل از شرایط ملی و بین المللی انکار می شود و هر گرایشی در این جهت، به عنوان گرایشی بسوی ناسیونالیسم، به عنوان نشانه تخطی از انترناسیونالیسم و به عنوان دلیلی بر بی اعتقادی به جنبش جهانی کمونیستی مورد حمله قرار می گیرد" تکیه همه چا از آن "فدائی" است.

چنانکه می بینید به گذشته و حال کمونیستها اتهام سنگین زده می شود، اما منعی که "فدائی" به آن استناد جسته است، نامعلوم است. چه کسانی رسماً چنین نظری را ارائه کرده اند؟ "فدائی" در این باره سکوت مطلق می کند. اما، منابع پنهانی گروه "کشتگر" و امثال آن که به اشکال گوناگون مواضع مستقل احزاب کمونیستی و کارگری را زیر علامت سؤال می برند به اندازه کافی رسوا شده هستند و در این باره نیازی به افشای مجدد آنها نیست. آنچه عیان است چه حاجت به بیان است.

حال بپینیم نویسندگان "فدائی" در لجن مال کردن کمونیست ها تا کجا پیش می روند؟ آنها می نویسند: "در این دستگاه فکری، علیرغم تعریف

و تمجید کلی و مجرد از جنبش جهانی کمونیستی و خصلت زنده و خلاق آن، این جنبش به یک مرکز متفکر و انبوهی از دنهاله روان تقسیم می شود و اعتقاد مذهبی به حاصل تفکر این مرکز و دنهاله روی از آن، جایگزین کار مستقل کمونیست های همه کشورهای برای تحلیل علمی از مسائل موجود و آنگاه همفکری و همکاری این نیروهای صاحب فکر و نظر مستقل برای پیشبرد موثر مبارزه مشترک می شود".

بدینسان "فدائی" با وارد آوردن اتهام های بی پایه و اساس "مرکزی" را ساخته و پرداخته است که گویا کمونیست های همه کشورهای از آن دنهاله روی می کند. حال اگر گفته شود که این ترهات جز تکرار اتهامات نظریه پردازان ضد کمونیست نیست، گردانندگان "فدائی" فریاد خواهند کشید: ما را به تخطی از انترناسیونالیسم متهم می کنند.

بهرحال "فدائی" بر این اساس غلط و یا اتهام آشکار، چنین نتیجه گیری می کند: "مطابق این دیدگاه کمونیست های ایران مجاز نیستند به طور مستقل و مستقیم برای تدوین نظرات تئوریک - سیاسی شان در زمینه های مختلف، مثلاً در زمینه انقلابات رهائی بخش ملی معاصر کار کنند و به جای آن باید نظری را که در دوده گذشته، در جنبش جهانی کمونیستی بطور عام و حزب کمونیست اتحاد شوروی به طور خاص غالب بوده است - نظریه راه رشد غیر سرمایه داری زیر رهبری نیروهای غیر پرولتری - را بپذیرند و آن را استراتژی و تاکتیک های خود قرار دهند و الا در خارج از جنبش جهانی کمونیستی قرار گیرند! این دیدگاه، بسته به شرایط اشکال مختلف بخود گرفته است. یکی از مضحک ترین روایات آن، در سالهای پس از انقلاب بهمن ۱۳۵۷ به این صورت بیان می شد که در اتحاد شوروی آکادمیسین هایی مسئول تدوین تئوری ها و خط مشی مبارزاتی آن برای کشورهای مختلف، از جمله ایران هستند..." (تکیه از ماست).

ما برای آن این نقل قول طولانی را از "فدائی" آوردیم تا خوانندگان به طرز اندیشه و شیوه تبلیغ سوء "نظریه پردازان" گروه "کشتگر" بی بهرند. کدام کمونیست واقعی را سراغ دارید که بر پایه "روایات" - حتماً روایات دشمنان - درباره انترناسیونالیسم پرولتری کتاب و مقاله بنویسد و این چنین گستاخانه حقایق را تحریف کند؟

ما درباره راه رشد غیر سرمایه داری مورد نظر "فدائی" خواهیم نوشت. اما، قهلاً، ضرور است بدانیم که بالاخره نویسندگان این نشریه چگونه می خواهند این همه دروغ و اتهام و پرچسب را توجیه کنند.

گردانندگان "فدائی" پس از این هذیان که تنها می تواند حاصل کندذهنی و کژاندیشی ها باشد، می افزایند که گویا حزب توده ایران "نمایندگان این دیدگاه در ایران" بوده است. آنها بدون اینکه خم بر ابرو بیاورند چنین ادعا می کنند که گویا "حزب توده (ایران) مبارزه

انقلاب مشروطیت ...

مردم ما با استعمار بریتانیایی و روسیه تزاری بود. این انقلاب با آنکه سرشت بورژوازی داشت، با فراگرفتن قشرهای وسیع تری از کارگران، دهقانان، تهیدستان شهری و خرده بورژوازی و کارهست شیوه‌های مسلحانه توده‌ای، در روند شکوفایی خود از عناصری خلقی بهره ور گردید. پدیدختانه، چنانفشانهای انقلابیون به فرجام پیروز نرسید و ارتجاع داخلی و خارجی با دسیسه‌های پی در پی خود و ملاکان، تاجرپزrk و روحانیون واپسگرا با خیانت خویش آن را پسوی شکست کشاندند.

با این همه، انقلاب مشروطیت الهام بخش مبارزه مردم ما در راه استقلال و آزادی پرچای ماند و همه جنبش‌های دمکراتیک و ضدامپریالیستی دهه‌های بعد در کشور ما از آن تاثیر پذیرفتند همانگونه که پالندگی انقلاب در مراحل آغازی آن مرهون اتحاد همه نیروهای ضداستبداد و ضداستعمار بود، یکی از ریشه‌های شکست آن را نیز باید در از هم گسیختگی این نیروها جستجو کرد. واقعیتی، که در تاریخ چندده ساله اخیر ایران، متاسفانه، بارها تکرار شد و هر بار نیز به ناکامی مبارزات، حق طلبانه و انقلابی انجامید. سرنوشت انقلاب بهمن‌نوترین پرهان این حقیقت تاریخی است، که تنها برقراری و تداوم اتحاد میان نیروهای انقلابی می‌تواند جنبش خلق و انقلاب را از گزند ضد انقلاب و یورش ارتجاع ایمن‌نگه‌دارد و آن را به دروازه پیروزی برساند. امروز، از همه وقت افزون‌تر، باید به این درس تاریخ ارج نهاد.

قطعه‌نامه کنفرانس ملی ...

پذیرش عضو، حقوق اعضا، شیوه دادرسی‌ها و مجازات حزبی، اختیارات ارگان‌ها و نحوه و مهلت فراخواندن آنها (از جمله برگزاری پلنوم، کنفرانس یا کنگره)، انتخاب و انتصاب و نحوه فعالیت ارگان‌ها و افراد و نیز شکل و شیوه فعالیت سازمان جوانان و غیره در راستای تحکیم مرکزیت، تقویت انضباط و حفظ سریت حزبی تغییراتی پدید آمد.

رهبری حزب باید مقررات ویژه دوران کار مخفی را بر اساس تجربه‌های گرد آمده تنظیم و به ارگان‌های مربوطه ابلاغ کند و گزارش آنرا به پلنوم کمیته مرکزی بدهد.

* این قطعه‌نامه به اتفاق آراء تصویب شد

مشکلات فراوان قاطعانه راه خود را ادامه می‌دهند.

تجربه نشان داد که شرط موفقیت ستمگیری سوسیالیستی در اینگونه کشورها تشکیل حزب پیشاهنگ (که البته هنوز به معنی حزب طراز نوین طبقه کارگر نیست) و پذیرش سوسیالیسم علمی از جانب رهبران آنها است. اینها الفهای تئوری ستمگیری سوسیالیستی است. اگر گردانندگان "فدائی" از آنها بی‌خبرند، تقصیر از ما نیست.

فقط ساخته و پرداخته دشمنان کمونیست است. اگر نویسندگان "فدائی" اسناد کنفرانس جهانی احزاب کمونیستی و کارگری ژوئن ۱۹۶۹ را ورق می‌زدند، حتما در صفحه ۲۱ آن می‌خوانند: "تمام احزاب دارای حقوق برابرند. اکنون که جنبش جهانی کمونیستی دارای مرکز رهبری نیست اهمیت هم‌آهنگ ساختن داوطلبانه عمل احزاب به نفع حل موفقیت آمیز وظایفی که در برابر آنها قرار دارد، افزایش می‌یابد."

اما، آنجا که "فدائی" به اصطلاح تحمیل راه رشد غیر سرمایه‌داری راه آکادمیسین‌های شوروی نسبت می‌دهد نیز حقایق وارونه شده است. این تئوری لنینی هم در سند پیش گفته احزاب کمونیستی منعکس است. احزاب برادر، پس از تحقیق و بررسی عمیق علمی متفقا به این نتیجه رسیدند که "پرخا از دولتهای جوان به راه غیرسرمایه‌داری روی می‌آورند، راهی که پایان دادن به عقب ماندگی دیرینه و گذشته استعماری را امکان پذیر می‌سازد و شرایط لازم را برای انتقال به جاده تکامل سوسیالیستی فراهم می‌آورد" (همانجا، ص ۱۲).

برخلاف ادعای نشریه "فدائی"، مسئله راه رشد غیرسرمایه‌داری و یاستگیری سوسیالیستی نه "تحمیل" یک "مرکز" بلکه ثمره خردجمعی است. هر یک از احزاب کمونیستی و نیز رهبران جنبش‌های رهائی بخش ملی به نوبه خود در سطر و تکامل این تئوری نقشی داشته و دارند. نمونه پرچسته در این زمینه باز همان برنامه مصوب سال ۵۴ حزب ماست. این برنامه نمونه خلاق کارهست مستقل و مستقیم مارکسیسم - لنینیسم در انطباق با شرایط مشخص و تحلیل مستقل از شرایط ملی و بین‌المللی است.

امروز پس از گذشت ۱۱ سال از آن ایام، مورخان و محققان اعتراف می‌کنند که هیچکس پیش بینی سقوط رژیم شاه را نمی‌کرد. زنی حزب توده ایران، هنوز در سال ۵۴ با تحلیل دقیق وضع اجتماعی - اقتصادی جامعه پایان آن نظام و آغاز اوج نهضت را پیش بینی کرد و یگانه سازمان سیاسی ایران بود که عوامل عینی زاینده مرحله انقلاب ملی و دمکراتیک و تضاد عمده آن را بدرستی ارزیابی کرد. در آن ایام گردانندگان نشریه "فدائی" به گواهی اسناد و مدارک خودشان هنوز گرفتار "اپورتونیسیم چپ" بودند.

نشریه "فدائی" چنین می‌رساند که گویا به جز آکادمیسین‌های شوروی هیچ حزب کمونیستی در تکمیل تئوری راه رشد غیرسرمایه‌داری نقشی نداشته است. این هم دروغی بیش نیست. اردمان تصویب اسناد کنفرانس احزاب کمونیستی و کارگری در سال ۶۹ تا امروز در این تئوری تغییرات کیفی پدید آمده است. در آن ایام حرف بر سر کشورهای بود که هنوز مناسبات تولیدی سرمایه‌داری در آنها رشد نیافته بود و مالا فاقد طبقه کارگر رشد یافته نیز بودند. در این کشورها دمکراتهای انقلابی پرخاسته از لایه‌های غیرپروتری زمام امور را بدست می‌گرفتند. حتما "فدائی" انکار نخواهد کرد که چنین کشورهایی وجود داشته‌اند و دارند و با وجود

طبقاتی را از کانال این دیدگاه، یعنی با فرض کردن تضادهای جهانی به جای تضادهای جامعه ما، از منشور روابط اتحاد شوروی و آمریکا و اولویت‌های سیاست خارجی اتحاد شوروی می‌نگرد و سیاست‌های خود را عمدتا بر این اساس تعیین می‌کند. به تبع این نگرش برای اثبات ادعاهایش مبنی برداشتن "خط مشی انقلابی و انترناسیونالیستی" در سیاست و پراتیک اش در عرصه ملی دلیل قابل اتکائی پیدانی‌کند و به جای آن به عواملی نظیر روابط بین‌المللی با احزاب دیگر، شرکت در این یا آن کنفرانس و غیره استناد می‌کند.

هر خواننده‌ای به آسانی می‌تواند از لابه‌لای این سطور فاقد پیوند منطقی به درجه اغتشاش فکری نویسندگان "فدائی" بی‌بهرد. تازه این "افکار پکر" هم از آن‌ها نیست، بلکه رونوشت دست و پاشکسته‌ای است از "مباحثات وحدت" دو سازمان "راه کارگر" و "راه فدائی".

بهرحال، چنین است مجموعه "استدلال‌های" تئورسین‌های "نشریه فدائی". کی و در کجا این نظرات در مطبوعات و اسناد و مدارک حزب توده ایران انعکاس یافته که گروه "کشتگر" این چنین بی‌محاپا به آنها استناد می‌کند، معلوم نیست. نویسندگان "فدائی" نیازی به ارائه منبج نمی‌بینند، زیرا چنین منبجی جز با اتکاء به "روایات" خائنین به منافع طبقه کارگر در گذشته و وزدگان سیاسی در حال، وجود نداشته، ندارد و نخواهد داشت.

آیا گردانندگان "فدائی" اندکی درباره فرجام کارملکی‌ها و انورخامه‌ای‌ها و قاسمی‌ها و ... اندیشیده‌اند؟ البته نه! زیرا اگر می‌اندیشیدند و درک می‌کردند، نظرات و افکار وزدگان سیاسی را طوطی‌وار تکرار نمی‌کردند.

"فدائی" سیاست حزب در دوده گذشته را مطرح می‌کند. در این دو دهه یکی از مهمترین اسناد جامع حزب توده ایران برنامه مصوب سال ۱۳۵۴ بود. ما روی آن تکیه می‌کنیم، زیرا گردانندگان "فدائی" معتقدند که آن برنامه و سیاست ما از دیدگاه "ناسیونال نیهیلیستی" تدوین شده بود و بازتاب سیاست خارجی اتحاد شوروی بود. آنچه که "فدائی" "دیدگاه" حزب توده ایران نامیده در کجای این برنامه و دیگر اسناد و مدارک مشاهه حزب و از جمله برنامه جدید ما گنجانده شده است؟

نشریه "فدائی" از جلوگیری از "کارمستقل کمونیست‌ها" در مسائل مربوط به نهضت رهائی بخش ملی و از جمله تئوری راه رشد غیرسرمایه‌داری و یاستگیری سوسیالیستی سخن می‌گوید که ما برای اولین بار آن را در برنامه مصوب سال ۱۳۵۴ (برای ایران) مطرح کردیم. باید از نویسندگان "فدائی" پرسید، چه کسانی مانع از آن شده‌اند که مثلا، گروه "کشتگر" نظرات "پکر" خود را درباره راه رشد غیرسرمایه‌داری و یاستگیری سوسیالیستی ارائه بدهد؟ نشریه "فدائی" پاسخی برای این سؤال ندارد، بلکه تنها برای "اثبات" ادعاهای نادرست خود از "مرکزی" نام می‌برد که وجود خارجی ندارد و

پیرامون بیانیه دانشجویان

قرار گیرند. گرچه سران مرتجع ج.ا. با تمام توان می‌کوشند تا دانشگاهها را از سیاست دور نگه دارند، اما شمار دانشجویانی که در صفوف نیروهای انقلابی در راه آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی مبارزه می‌کنند، روز بروز افزایش می‌یابد. ولی این کافی نیست. باید نبرد را از جمله به درون دانشگاهها کشاند و آنها را مانند گذشته به ستادهای مقاومت علیه رژیم تبدیل کرد.

دانشجویان از چنایتها و فجایع حکام ج.ا. باخبرند. آنها از آنچه که پشت پرده و در اس هرم حاکمیت می‌گذرد نیز آگاهند. البته جنبش دانشجویی کشور دارای طیف وسیعی است که روز به روز دامنه وسیعتری بخود می‌گیرد و حتی بخشی از هواداران رژیم را که انتظار آنان از انقلاب برآورده نشده می‌تواند به خود جلب کند. بویژه اینکه این بخش ناراضیی خود را به گونه‌ای ملموس بیان می‌کند. بیانیه‌ای که از سوی "دفتر تحکیم وحدت دانشجویان مسلمان" در رسانه‌های گروهی انتشار یافت، گواه این نظر است.

آنها در بیانیه خود می‌نویسند: "در اوایل انقلاب، وقتی که هنوز خروش مردم، جای خویش را به قانونمندی‌های صوری نداده بود و وقتی که پستها و مناصب در قبال شکوه حرکت مردم رنگی و چلائی نداشت، همه مسئولین نسبت به مردم خاضع و خاشع بودند و وقتی که یک قشر از مردم با آنها می‌نشست و گفتگو می‌کرد، صحنه گفتگو و نشست، صحنه صاحب انقلابی (مردم) و خدمتگزار انقلاب (مسئولین) بود... شوراها جای والائی داشتند. انجمنها از جایگاه نیکی برخوردار بودند. کارگران از حرمت عیبی برخوردار بودند. کشاورزان الگوی کرامت و صداقت بودند."

با این ارزیابی که همه آن مربوط به گذشته است، می‌توان کم و بیش موافقت کرد. باید یادآور شد، در راس آنانی که در این گفتگوها و نشستها حضور داشتند شخص خمینی قراردادش که با خیانت به "صاحبان انقلاب" به چاده صاف کن کلان سرمایه‌داران و بزرگ مالکان تبدیل شد. اکنون حدود سه سال است که از اینگونه نشستها خبری نیست. شوراها و انجمنها، به طور عمده دیگر آن نهادهای سابق نیستند، کارگران به دشمنان خوبی سران رژیم تبدیل شده‌اند، دهقانان زحمتکش در دست خانها اسیرند.

چرا؟ دانشجویان مسلمان، نگارندگان بیانیه، باید به این سؤال پاسخ دهند. آنها باید ببینند، چرا مردمی که پس از پیروزی انقلاب از خمینی حمایت می‌کردند، امروز شعار "مرگ پر خمینی!" می‌دهند؟ تا زمانی که به اینگونه سؤالها پاسخ قطعی داده نشود، راه چاره قطعی نیز پیدا نخواهد شد.

وقتی در بیانیه یادشده می‌نویسند: "اینک چه شده است که شوراها و اسلامی روستائی می‌بایست از ظلم خان پنالند... اینک چه شده است این کشاورزان می‌بایست از این مسئول به آن مسئول،

درد دل خویش را به همه بگویند، به دادستان کل بگویند و همه و همه آنها را تأیید کنند، ولی مشکل همچنان به قوت خویش باقی باشد"، خود نشانگر آن است که دانشجویان مسلمان هنوز به ریشه فساد پی نبرده‌اند و درک نکرده‌اند که ماهی از سر کند ه گردد، نی زدم.

آنها می‌نویسند: "چرا باید در دادگستری که بازمانده نظام طاغوت است، محکوم واقعی یعنی خان حاکم شود و حاکم واقعی یعنی روستائی محکوم شود؟ اگر چنین است آیا چنین دادگستری نباید تعطیل شود و کارهای آن به دادگاه های انقلاب سپرده شود؟"

در این که دادگستری "بازمانده نظام طاغوت" است و کماکان به نفع ستمگران و غارتگران اجتماعی حکم صادر می‌کند تردیدی نیست، باید آن را تعطیل کرد و دادگاه های انقلاب را چنانچه آن کرد. اما کدام "دادگاه های انقلاب"؟ آیا مگر نه این است که "دادگاه های انقلاب" کنونی نیز اساساً همانگونه عمل می‌کنند که دادگستری؟ آیا مگر نه این است که "دادگاه های انقلاب" مورد نظر دانشجویان مسلمان که انتظار می‌رفت به نفع مردم عمل کنند، دیگر آن دادگاه های پس از پیروزی انقلاب نیستند و خود عامل هزاران چنایت بوده‌اند؟ باید از دانشجویان مسلمان پرسید که چگونه می‌شود به قاتلان هزاران نفر از نیروهای انقلابی و محکوم کنندگان پیشروترین و بیکبرترین مدافعان حقوق کارگران و دهقانان اعتماد کرد؟

در بیانیه گفته می‌شود: "در صحنه اقتصادی و اجتماعی، تروریسم اقتصادی و فساد اجتماعی روند روبه رشدی دارد. در اوائل انقلاب حتی آنان که مالی را به شبهه جمع آوری کرده بودند می‌ترسیدند که مبادا له تیز شمشیر "از کجا آورده اید؟" در مقابل آنها که از قهل سرمایه های ملی این مملکت و از طریق زدوبندهای کثیف سیاسی و مالی، صاحب کاخها و قصرها شده بودند احساس قدرت می‌کردند و فضای بسیار مقدسی در حمایت عملی از قشرهای محروم بر جامعه حکمفرما بود. اما سؤال "از کجا آورده اید؟" فراموش شد و موشهای خزیده به لانه‌ها دوباره پیرون آمدند و شیر شدند و چای حیرت آنکه کسانی که در اوائل انقلاب و در فضای انقلابی آن زمان که می‌دانستند همه امکاناتشان غصبی بوده و پناح گرد آمده و به بهای زردی رخسار محرومین، بیماری مظلومین و کار طاقت فرسای مستضعفین گرد آمده است از ترس چاری شدن عدل گوارای اسلامی، پارسفر بستند و به خارج رفتند، اینک گروه - گروه پازمی گردند."

بیانیه در لاله‌های این سطور تغییرات عظیمی را که طی هفت سال در جامعه بوجود آمده، بدرستی بازگو می‌کند. اما وقتی نویسندگان بیانیه می‌نویسند: "و عجب آنکه، انقلابیون مسلمان، شعار دفاع از مستضعف و زدودن ریشه‌های استضعاف را کم کم رها کردند و از آن خاطره‌ای بر جای گذاردند و بجای اولویت دادن در دفاع از محرومین، شعار "امنیت هر چه بیشتر اقتصادی را

سر دادند" خواسته یا نخواستہ از افشای سرچشمه فساد خودداری می‌کنند.

دانشجویان مسلمان پس از تذکر این که "سرمایه‌داران فاسد، دشمنانی هستند که در خانه کمین کرده‌اند و آثار تهدیل شدن آنان به یک قدرت سیاسی نیز کم کم پیدا خواهد شد" می‌نویسند: "این غارتگران را باید افشا کرد! باید زندان کرد و باید در میدانهای بزرگ به درآویخت تا این چنین حیات یک انقلاب" را طعمه هوسهای" سیری ناپذیر خویش نکنند، یا آنکه به مردم اجازه دهید و فرصت دهید تا علیه این فاسدان شمشیر بکشند."

چه کسانی جز خود مردم باید علیه این همه ظلم و فساد پیاخیزند؟ چگونه می‌توان از مشت‌های همدستان تروریست های اقتصادی، کلان سرمایه‌داران و بزرگ مالکان، یعنی روحانیون مرتجع حاکم خواست تا برای سرکوب غارتگران به مردم اجازه و فرصت بدهند؟ مردم را باید برای سرکوب همه این باند فاسد و چنایتکار تجهیز کرد.

در بیانیه گفته می‌شود: "مردم همان قشرهای پابرهتہ‌ای هستند که امام آنها را صاحبان انقلاب و ولی نعمت همه معرفی می‌کند و یک موی کوخ نشینان راه همه کاخ نشینان ترجیح می‌دهد."

در اینجاست که دانشجویان مسلمان اشتباه می‌کنند و حقایق موجود را وارونه جلوه گر می‌سازند. آری زمانی خمینی از اینگونه سخنان بسیاری گفت و وعده‌های زیادی می‌داد، اما از آن ایام مدتها گذشته است. امروز مفهوم مردم در قاموس خمینی و اصحابش همان کلان سرمایه‌داران و بزرگ مالکان هستند، به همین دلیل مبارزه علیه غارتگران و زالوهای اجتماعی، جدا از پیکار علیه رژیم "ولایت فقیه" نبوده و نیست.

ما هم برآنیم که "مردم قابل تفسیر نیستند، توده‌های خروشان کوچک و مدرسه و دانشگاه و کارخانه و مزرعه هستند". تا زمانی که این مردم در صف واحدی به مقابله با رژیم فساد پرور ج.ا. به پناخیزند، این قافله تا بهشت لنگ است.

آری، با هشدار و اندرز و نصیحت و دادن شعار نمی‌توان با عوامل فساد در جامعه مبارزه کرد. حزب توده ایران ماهیت این روش بی نتیجه و انحرافی را به موقع خود افشاء کرد و طرق پیکار را نیز ارائه داد. مبارزه علیه قانون کار ارتجاعی توکلی که حزب ما سازمانده آن بود و به شکست رژیم منجر گردید، نمونه زنده‌ای در این زمینه است. مبارزه متحد، متشکل و سازمان داده شده، یگانه راه پایان دادن به فجایعی است که در بیانیه دانشجویان مسلمان به تفصیل از آنها یاد شده است. اگر این دانشجویان واقعا نیز خواهان پایان دادن به حاکمیت کلان سرمایه‌داران و بزرگ مالکان هستند باید گام در عرصه نبرد بگذارند و دوشادوش همه نیروهای انقلابی علیه نظام فلاکت‌بار جمهوری اسلامی مبارزه کنند. راه دیگری وجود ندارد.

به مامی نویسنند

کارگران "پاکریس" به جبهه نرفتند

روز شنبه ۲۲ فروردین، "حجت الاسلام" محمدباقر عبدوس، مسئول حزب جمهوری اسلامی در سمنان، به کارخانه "پاکریس" این شهر، واقع در ملک طیبی رفت و ضمن سخنرانی از کارگران خواست که دست از کار بکشند و در نام نویسی برای اعزام به جبهه شرکت کنند. سخنان تهدید آمیز او بر کارگران گران آمد و با فرستادن صلوات، به علامت اعتراض، نمازخانه کارخانه (محل سخنرانی) را ترک کردند. حرکت اعتراضی کارگران باعث از کوره به در رفتن "عبدوس" شد، شروع به تهدید کرد و از قسمت حفاظت و انجمن اسلامی خواست تا نسبت به کارگران "ضدانقلابی" برخورد قاطع کنند. سپس خشمگین از منبر پایین آمد و بدون خدا حافظی کارخانه را ترک گفت. علیرغم همه فشارها و تهدیدها، کارگران حاضر نشدند برای جبهه نام نویسی کنند.

در ماه رمضان

در ماه رمضان طبق معمول آب را به روی مردم و حتی به روی دانش آموزان بزرگتر از ده سال بستند. بسیاری از دخترها را در خیابانها ی گیشا و مصدق به چرم بد حجایی (منظورشان عقب رفتن روسری و رنگی بودن آنها و کوتاه بودن مانتو ها و... است)، گرفتند و چهارا را به کار گاه هائی فرستادند که بدون پول کار کنند. بیشتر بوتیکها ئی را که لباسهای زیر زنانه و لباسهای مد روز و خارجی داشتند بستند و روی آنها نوشتند: به علت عدم رعایت شئونات اسلامی تا اطلاع ثانوی بسته است. در "امیر اکرم" کار گاهی را به همین ترتیب بستند و چرخهای خیاطی مغازه را هم بیرون ریختند و جلوی در مغازه گذاشتند. هر کسی که آنها را می بیند چندتا فحش می دهد و می رود. رژیم می خواهد همه و همه به جبهه بروند. سرباز گیری به طرز وحشتناکی ادامه دارد. هیچ جوانی جرئت نمی کند از خانه بیرون برود، چون برگشتنش دیگر با خدا است. در مدرسه ها دانش آموزان کم سن و سال را فریب می دهند و به جبهه می فرستند. کارگر، دهقان نیروهای متخصص، حتی معلمان، همه و همه باید به جبهه بروند. یکی از معلمان می گفت، من تا پای اخراج ایستاده ام و امکان ندارد حتی برای یک هفته به جبهه بروم...

می بینید که وضع ایران چقدر خوب شده! بهتر از این نمی شود. باور کن هر بار که از خانه بیرون می روم نصف جان می شوم و هر می گردم... بهر حال ماه رمضان و بقیه ماهها اینطور گذشت و می گذرد، مگر این که مردم کاری کنند و گرنه رژیم دمار از روزگار همه در می آورد.

کنترل نامه ها، امری عادی

سران ج.ا. گاه و بیگاه با وقاحت تمام ادعا می کنند که درج.ا. حقوق فردی شهروندان رعایت می شود و از جمله مسئله کنترل نامه ها و تلفن ها و ... دروغی بیش نیست، اما واقعیت جز این است و کنترل نامه ها و تلفن های "مشکوک" امری پیش یا افتاده است.

در اجرای چنین هدفهایی سازمانهای عریض و طویل اطلاعاتی دست اندرکارند. این سازمانها علیرغم رعایت احتیاط های لازم، گهگاه هر گاه ای از خود بچای می گذارند که چنان دم خروسی نشانگر دروغ بودن قسم های سران رژیم است.

اخیرا نامه ای به دست یکی از خوانندگان "نامه مردم" رسیده که عوامل اطلاعاتی رژیم پس از کنترل آن، اشتهاها یادداشتی را در آن جا گذاشته اند که رسوا کننده رژیم است. چنین بنظر می رسد که مامور کنترل (۰۱۷) به مواردی در نامه "مشکوک" شده و برای کسب تکلیف از همکار و یا مقام مافوق خود (۰۱۶) یادداشتی ضمیمه آن کرده و ارسال داشته است. (۰۱۶) روی همان یادداشت کتبا دستور داده که از نامه فتوکپی گرفته شود و سپس اصل آن برای گیرنده ارسال گردد. اما اجرا کننده دستور دچار خطا یا حواس پرتی می شود و همراه با نامه یادداشت مذکور را در پاکت می گذارد و برای گیرنده ارسال می دارد.

برای رعایت مسائل امنیتی، بدون آن که نام و نشان گیرنده و فرستنده را درج کنیم، فتوکپی یادداشت فوق الذکر را کلیشه می کنیم:

سران ج.ا. گاه و بیگاه با وقاحت تمام ادعا می کنند که درج.ا. حقوق فردی شهروندان رعایت می شود و از جمله مسئله کنترل نامه ها و تلفن ها و ... دروغی بیش نیست، اما واقعیت جز این است و کنترل نامه ها و تلفن های "مشکوک" امری پیش یا افتاده است.

در اجرای چنین هدفهایی سازمانهای عریض و طویل اطلاعاتی دست اندرکارند. این سازمانها علیرغم رعایت احتیاط های لازم، گهگاه هر گاه ای از خود بچای می گذارند که چنان دم خروسی نشانگر دروغ بودن قسم های سران رژیم است.

اخیرا نامه ای به دست یکی از خوانندگان "نامه مردم" رسیده که عوامل اطلاعاتی رژیم پس از کنترل آن، اشتهاها یادداشتی را در آن جا گذاشته اند که رسوا کننده رژیم است. چنین بنظر می رسد که مامور کنترل (۰۱۷) به مواردی در نامه "مشکوک" شده و برای کسب تکلیف از همکار و یا مقام مافوق خود (۰۱۶) یادداشتی ضمیمه آن کرده و ارسال داشته است. (۰۱۶) روی همان یادداشت کتبا دستور داده که از نامه فتوکپی گرفته شود و سپس اصل آن برای گیرنده ارسال گردد. اما اجرا کننده دستور دچار خطا یا حواس پرتی می شود و همراه با نامه یادداشت مذکور را در پاکت می گذارد و برای گیرنده ارسال می دارد.

برای رعایت مسائل امنیتی، بدون آن که نام و نشان گیرنده و فرستنده را درج کنیم، فتوکپی یادداشت فوق الذکر را کلیشه می کنیم:

بسم الله الرحمن الرحیم
 نامه جهت ارسال عودت فرمایند
 لذا متنی است در صورت موافقت به ترتیب نامه در اسرع وقت
 پیوسته بکنامه جهت مطالعه و بررسی خدمتان ارسال میگردم
 سلام علیکم
 از: ۱۷
 به: ۱۸
 در ماه رمضان

صدور "مانتو شلوار اسلامی" به جای صدور "انقلاب اسلامی"

اطلاعات

یکشنبه هشتم تیر ماه ۱۳۶۵
اهداء

مانتو شلوار

فری تاون - خیبرگزاری جمهوری اسلامی: از سوی سفارت جمهوری اسلامی ایران در سیرالئون، بیروز ۷۰۰ دست مانتو شلوار اسلامی طی مراسمی به دختران دانش آموز مدارس اسلامی این کشور اهداء شد. در این مراسم که در دبیرستان امام خمینی «فری-تاون» برگزار شد، حجت الاسلام صدقی سفیر جمهوری اسلامی ایران در این کشور دستاورد های انقلاب اسلامی را برشمارد.

جمهوری اسلامی که چند سال است کوشش می کند به زور جنگ و کشتار با تجهیز باند های اشراک، "انقلاب اسلامی" را به عراق و افغانستان صادر کند و نمی تواند، به جای این کار دشوار تصمیم گرفته است، مظاهر "انقلاب اسلامی" را به کشورهای دیگر صادر کند که نم آسان تر است و هم خرج کمتری برمی دارد.

به عنوان نمونه ۷۰۰ دست مانتو شلوار اسلامی به سهرالئون صادر کرده است تا دختران دانش آموز دبیرستان امام خمینی شهر "فری تاون" دیگر از بی حجایی یا بد حجایی رنج نبرند و عملا با حقوق زن در اسلام "آشنا شوند!!!"

هر که خسرپزه می خورد، پای لرزش هم می نشیند. هر کس هم به دبیرستان امام خمینی می رود، ناچار باید مانتو شلوار ضخیم و بد رنگ اسلامی بپوشد و در هوای گرم آفریقا، شُرُ عرق بریزد!

۶۵ سال پیکار در راه بهروزی خلق

بقیه از ص ۱

اعتصابات گسترده کارگران و دانشجویان علیه رژیم نژادپرست "پرتوریا" نقش کلیدی داشته است.

حزب کمونیست آفریقای جنوبی در سال های ۶۰، همراه با "کنگره ملی آفریقا" و با تاسیس سازمان نظامی "اوم خونتو و سپوزه" مبارزه مسلحانه را با رژیم حاکم آغاز کرد.

حزب امروزه بخش سرنوشت ساز جنبش آزادیبخش ملی، به رهبری "کنگره ملی آفریقا" پشمار می‌رود. این سازمان همه نیروهای دمکراتیکی را در برمی‌گیرد، که هدف مشترکشان براندازی رژیم آپارتاید و استقرار دمکراسی، آزادی و برابری نژادی است. حزب پرآنتست که در مبارزه برای آفریقای جنوبی سوسیالیستی طبقه کارگر سیاه پوست و هم پیمانان آن در روستاها نقش تعیین کننده را بعهده خواهد داشت.

کمونیستهای آفریقای جنوبی هنگامی شصت و پنجمین سالگرد خود را جشن می‌گیرند، که مبارزه مردم آفریقای جنوبی به مرحله ای حساس فرارو پییده و سرنوشتی رژیم منفور "پرتوریا" و برقراری حکومتی دمکراتیک در دستور روز قرار گرفته است.

برای درک وزن و اهمیت حزب در این مبارزه سرنوشت ساز این سخن اولیور تامبو، صدر "کنگره ملی آفریقا"، این سازمان رهبر جنبش دمکراتیک آفریقای جنوبی، را بیاد آوریم:

"مناسبات میان "کنگره ملی آفریقا" و "حزب کمونیست آفریقای جنوبی را نباید یک تضاد تاریخی شمرد. این هم پیمانی تنها برپایه قراردادی نیست که سر میز کنفرانسی میان رهبران دو سازمان بسته شده باشد، بلکه ارگانسیمی است زنده، که از مبارزه مشترک ما سرچشمه گرفته و رشد یافته است."

کنفرانس اساسنامه حزب را تصویب کرد و در منشوری "همه کارگران آفریقای جنوبی، متشکل و فیرمتشکل، سفید و سیاه" را فراخواند، تا در راه سرنوشتی ستم سرمایه‌داری و ییافی گری طبقه سرمایه‌دار و ایجاد جامعه کشورهای مشترک المنافع کارگران در سراسر جهان برزند.

حزب به "انترناسیونال سوم" پیوست و هدف خود را "دگرگونی ریشای اندیشه سیاسی در نیمه قاره" و "کمک به مبارزه آزادی بخش ملی ستکشان و پیشبرد سوسیالیسم در پهنه ملی و گستره بین‌المللی" تعیین کرد.

حزب کمونیست آفریقای جنوبی تا کنون آماج برهم‌نشانه‌ترین حلات امپریالیسم و ارتجاع بوده است. علت این امر را باید در وفاداری بی‌چون و چرای کمونیستهای آفریقای جنوبی به مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری و پیکار بی‌امان آنها با ستم نژادی و استثمار سرمایه‌داری جستجو کرد. در ۶۵ سال گذشته صدها رهبر و عضو حزب جان خود را در میدان نبرد، زندانها و زیر شکنجه پاخته‌اند. حزب کمونیست آفریقای جنوبی نخستین سازمان این کشور بود، که در سال ۱۹۵۰ بدست رژیم نژادپرست غیرقانونی اعلام شد.

حزب برادر در آفریقای جنوبی اکنون می‌تواند به گذشته‌ای درخشان در مبارزه برای آزادی ملی و علیه امپریالیسم و جنگ ببالد. حزب کمونیست آفریقای جنوبی نخستین حزبی بود که در سال ۱۹۲۸ زیر شعار "جمهوری سیاه پوستان" خواستار حاکمیت اکثریت شد. این حزب در اعتصاب بزرگ معدنچیان آفریقایی در ۱۹۴۶، کارزار "مقاومت در برابر قوانین ظالمانه" در ۱۹۵۲، "کنگره خلق" در ۱۹۵۵ (این کنگره بود، که "منشور آزادی" را تصویب کرد)، مبارزه علیه "قوانین برگ گذر" برای سیاه پوستان و

پیام شادابش به حزب...

حزب شما بخش گسست ناپذیر از جبهه نیروهای آزادی بخش به رهبری "کنگره ملی آفریقا" و هم پیمان فداکار "کنگره سندیکا‌های آفریقای جنوبی" است، که پیکیرانه علیه بردگی اقتصادی و استثمار آژمندانه زحمتکشان می‌رزد.

حزب کمونیست آفریقای جنوبی پیوسته الهام بخش مبارزه جنبش آزادی بخش ملی ستکشان سراسر آفریقا بوده و در پیروزی های کنونی این جنبش سهم بزرگی داشته است. شما همواره هوادار سرسخت جبهه سوسیالیسم و وفادار به مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری بوده اید.

کمونیست های آفریقای جنوبی هنگامی شصت و پنجمین سالگرد پایه گذاری حزب خود را جشن می‌گیرند، که مبارزه مردم آفریقای جنوبی در همه جبهه‌ها به اوجی نو فرارو پییده است و رژیم نژادپرست "پرتوریا" ارکاربست هیچ شیوه ددمنشانه‌ای برای جلوگیری از انتقال قدرت به اکثریت سیاه پوست دریغ نمی‌ورزد.

حزب توده ایران هیچگاه مهمستکی پیکیر حزب کمونیست آفریقای جنوبی را با پیکار حزب ما علیه امپریالیسم و ارتجاع مذهبی، و به ویژه با هزاران زندانی توده‌ای، از یاد نخواهد برد.

ما نیز از این فرصت بهره می‌گیریم و پاردیگر پشتیبانی همه جانبه خویش را از مبارزات شما و هم‌زمانتان در راه پیروزی نهایی امر آزادی در آفریقای جنوبی ابراز می‌داریم.

زنده باد حزب کمونیست آفریقای جنوبی! پیش بسوی پیروزی خلق در آفریقای جنوبی! پایدار باد دوستی میان حزب کمونیست آفریقای جنوبی و حزب توده ایران! با درودهای کمونیستی،

کمیته مرکزی حزب توده ایران

"مورنینگ استار":

برای دفاع از مردم ایران بسیج شوید!

روزنامه انگلیسی "مورنینگ استار" (شماره ۱۹ ژوئیه ۱۹۸۶) زیر عنوان بالا و در کنار کاریکاتوری که آن را می‌بینید، به این واقعیت اشاره می‌کند که عوامل خمینی در خیابانهای شهرهای مختلف ایران به شکار نیرو برای فرستادن به جبهه جنگ مشغولند.

به نوشته این روزنامه "پنج میلیون ایرانی بیکارند، تورم به بیش از چهل درصد رسیده، صنایع از کار افتاده است و میلیونها تن آواره‌اند."



جبهه متحد خلق ضامن پیروزی انقلاب است

در پایان مطلب "مورنینگ استار" می‌خوانیم: "جنگ به مهم ترین دستاویز برای درهم شکستن مخالفان داخلی بدل شده است. با این همه اختلاف های درونی رژیم بر سر چگونگی اداره اقتصاد کشور، هرچه بیشتر آشکار می‌گردد."

کمک مالی به حزب توده ایران
یک وظیفه انقلابی است!

کمکهای مالی رسیده:

همت ۲۰ پوند

NAMEH
MARDOM
No. 114

P.B. 49034
10028 Stockholm 49
Sweden

7 August 1986